

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ویکتور تروشکوف - (Viktor Troushev)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۹ جولای ۲۰۱۷

پس از خیانت منشویک‌ها و اس‌ارها

گاه‌شمار انقلاب، حوادث جولای ۱۹۱۷

زندگی کوتاه روزنامه "کارگر و سرباز" از ۲۳ جولای (۶ اگست) سال ۱۹۱۷، از زمانی که به دنبال کودتای جولای سال ۱۹۱۷ ولادیمیر ایلیچ لنین به زندگی مخفی مجبور شد، آغاز گردید. بار هدایت خط "پروادا" به دوش ی. و. ستالین افتاد. پس از عقب‌نشینی بزرگ لازم بود مخالفان و موافقان پاسخ این سوال را بدهند: "منشاء قدرت ما چیست؟" یوسف ویساریونویچ ستالین اولین مقاله خود را در اولین شماره روزنامه "کارگر و سرباز"، ارگان مرکزی جدید حزب بلشویک با همین عنوان منتشر نمود.

او در آن مقاله نوشت: روزنامه "کارگر و سرباز" در روزهای سخت حزب ما، در زمانی که تشکیلات ما در معرض سرکوب قرار گرفته، روزنامه‌های ما تعطیل می‌شوند، رهبران ما به وسیله خائنان، منشویک‌ها و ماجراجویان بی‌آبرو می‌شوند، اعضای حزب ما تحت پیگرد و ضرب و شتم قرار می‌گیرند و حتا به قتل می‌رسند، انتشار می‌یابد... گروه اکثریت در شوراهای ما می‌گویند: "آقایان بلشویک، از رهبران خود رو برگردانید، لنین و زینویف را لعن و تکفیر کنید، قول بدهید در آینده بچه‌های خوبی باشید، در غیر این حال، نمی‌توانید در شوراهای بمانید." و با تصمیم‌گیری در خصوص برگزاری انتخابات نمایندگان شوراهای کارگران و سربازان پتروگراد و با این پیش‌فرض که از طریق انتخابات مجدد، بلشویک‌ها را از شوراهای اخراج خواهند کرد، در نظر دارند تهدیدهای خود را به تعجیل عملی سازند. ستالین در پاسخ به دمدی مزاج‌ها می‌نویسد: "شما ما را با گذاشتن به خارج از صفوف دموکراسی انقلابی تهدید می‌کنید! بسیار خوب، امتحان کنید.

اما بدانید که برای انجام این کار باید شوراهای کارگران پتروگراد را حذف کنید که اکثریت آنها طرفداران ما هستند، باید با آن ۱۶۰ هزار کارگر که در انتخابات دومای منطقه‌ای پتروگراد به ما رأی دادند، قطع کنید. آیا توان انجام این کار را دارید؟ و اگر شما به این کار دست بزنید، در این صورت، چه کسی به خارج از صفوف دموکراسی انقلابی پرتاب خواهد شد؟ ما یا شما؟

در ادامه مقاله، مؤلف پایگاه و دلایل حمایت از بلشویسم را به طور دقیق نشان می‌دهد: ما - حزب مبارزه پرولتاریا برای آزادی خود هستیم. سرباز عذاب کشیده، شکنجه دیده، که دو باره از آزادی به دست‌آمده خود محروم می‌کنند، که با

اعمال شاقه و مرگ تهدیدش می‌کنند، نمی‌تواند با ما همراهی نکند. دهقانان تا کنون محروم از زمین نیز همراه ما خواهند آمد".

ستالین در مقاله بعدی به سؤال میرم دیگری پاسخ می‌دهد: "چه اتفاق افتاده است؟ او ضمن تجزیه و تحلیل حوادث ۳-۴ جولای می‌نویسد: کارگران و دهقانان برای آن مبارزه کردند، که شوراها همه قدرت را به دست خود بگیرند، شرایط دشوار زندگی کارگران، دهقانان، سربازان و ملوانان را کاهش دهند". اما نیروهای انقلابی در اثر فشارهای دشمن به عقب‌نشینی مجبور گردیدند. ضدانقلاب در این نبرد غالب آمد. ستالین در این باره بروشنی، به طور مستقیم و با صراحت نوشت: پیروزی ضد انقلاب، یعنی غلبه ملاکان. اما دهقانان دیگر نمی‌توانند بدون زمین به زندگی خود ادامه دهند. به این سبب، مبارزه قاطع با ملاکان اجتناب‌ناپذیر است.

غلبه ضد انقلاب یعنی پیروزی سرمایه‌داران. اما کارگران نمی‌توانند بدون بهبودی بنیادی زندگی خود آرام بگیرند. به این دلیل، مبارزه قاطع با سرمایه‌داران اجتناب‌ناپذیر است.

پیروزی ضد انقلاب، یعنی تداوم جنگ، اما جنگ نمی‌تواند به مدت طولانی ادامه یابد. زیرا، کل کشور در زیر دشواری‌های آن از نفس می‌افتد. به همین سبب، غلبه ضد انقلاب ناپایدار و زودگذر است".

اگر بلشویک‌ها و زحمتکشان تحت رهبری آنها عقب‌نشینی کردند، منشویک‌ها و اس‌ارها به کادتها تسلیم شدند. در این خصوص ستالین در مقاله "پیروزی ضد انقلاب" به وضوح و به شیوه طعنه‌آمیز نوشت. این هم سخن پایانی آن: "کارگران هرگز فراموش نمی‌کنند، که در این لحظات دشوار، احزاب "حاکم" اس‌ارها و منشویک‌ها در جبهه کسانی قرار گرفتند، که کارگران، سربازان و ملوانان را سرکوب نموده، خلع سلاح کردند".

شماره دوم روزنامه بلشویکی با مقاله ستالین تحت عنوان "پیروزی کادتها" انتشار یافت. در این مقاله او جنبه‌های اقتصادی خیانت احزاب خرده‌بورژوازی را تجزیه و تحلیل نمود: "منشویک‌ها و اس‌ارها از راه انقلابی روی برتافتند. یعنی، آنها به زیر سلطه حاکمیت کادتها، به زیر سلطه ضد انقلاب درآمدند.

زیرا کادتها، یعنی اوراق قرضه داخلی متمکن.

زیرا کادتها، یعنی دوستی با سرمایه متفق، یعنی اوراق قرضه خارجی متمکن.

و پول به شکل ویرانی در پشت جبهه و به خصوص در جبهه لازم است... این است تمامی جوهر "بحران".

"دو کنفرانس" در همسایگی همدیگر بر اساس تحلیل قیاسی فشرده ستالینی برگزار است:

هر دو کل شهری، در پتروگراد.

یکی منشویکی.

دیگری بلشویکی.

در اولی، مجموعاً ۸ هزار کارگر شرکت دارد. در دومی، ۳۲ هزار.

در اولی، هرج و مرج، تفرقه و تشتت حکمفرمایی می‌کند و عنقریب است که تجزیه شود. در دومی، وحدت و همبستگی حاکم است.

اولی، قدرت خود را در توافق با بورژوازی کادتی می‌بیند و درست بر این مبنا انشعاب روی می‌دهد، زیرا، در میان منشویک‌ها هنوز هستند کسانی که حیثیت خود را حفظ کرده و برای تبدیل شدن به دنباله‌بورژوازی مایل نیستند.

دومی، به عکس، قدرت خود را نه در آمیزش با بورژوازی، بلکه، در مبارزه انقلابی کارگران علیه سرمایه‌داران و ملاکان می‌بیند.

اولی، نابودی بلشویم و خیانت به انقلاب را به مثابه "نجات کشور" قرائت می‌کند. دومی، از میان برداشتن ضد انقلاب با دست‌آویزهای "سوسیالیستی" آن را.

می‌گویند، بلشویزم محو و دفن شده است. "خیلی زود است ما را دفن کنید آقایان گورکن. ما هنوز زنده‌ایم، و اول بار نیست که از صدای ما قلب بورژوازی به تپش افتاده و می‌لرزد".

ضمناً، در اینجا لازم به ذکر است که تا کنفرانس اضطراری بلشویک‌ها پایتخت سازمان حزبی حزب سوسیال دموکرات کل روسیه بنا به سنت رایج پتربورگ نامیده می‌شد، اما از ماه جولای سال ۱۹۱۷ کنفرانس نام آن را به پتروگراد تغییر داد.

بیانیه اجلاس ۱۰ هزار کارگر با عنوان "**پوتیلوفی‌ها در باره لحظه**" گواه روشن روحیه طبقه کارگر پتروگراد است و آن در بند پایانی سند مصوب اجلاس بازتاب یافت: "ما اعتراض شدید خود را به دستگیری سوسیال -دموکرات‌های بلشویک و رهبران ایدئولوژیک بلشویزم؛ به تعطیلی روزنامه‌های کارگری -انترناسیونالیستی؛ به سرکوب تشکل‌های کارگران و سربازان؛ به ممنوعیت آزادی‌بیان و تجمعات رفقای سرباز؛ به مجازات اعدام؛ به خلع سلاح کارگران اعلام می‌داریم. ما خواستار انحلال فوری دوما و شورای دولتی و دستگیری همه ضدانقلابیون هستیم".

شماره‌های ۳ و ۴ روزنامه "کارگر و سرباز" توجه اصلی خوانندگان خود را به نامه "پاسخ و ای. لنین" به یک مطلب جداگانه از این سری جلب کرده است. در شماره ۴، بتاريخ ۲۷ جولای (۹ اگست) نیز اطلاعیه دایر بر شروع کار کنگره ششم حزب بلشویک‌ها در پتروگراد انتشار یافت.

"کارگر و سرباز" به صورت منظم قطعنامه‌های جلسات کارگری و سربازی و تجمعات و جلسه‌های حزبی را منتشر می‌کرد. در جلسه عمومی اعضای منطقه دوم شهری حزب سوسیال -دموکرات کارگری روسیه "اقدام رفیق لنین و رفیق زینویف که به اسارت دولت فاقد توانائی تأمین امنیت زندانیان سیاسی خود درنیامدند، مورد تأیید قرار گرفت". در جلسه عمومی کارخانه واگن‌سازی **رچکین**، قطعنامه سرنوشت‌ساز دیگری به تصویب رسید: "بر این باوریم که قرار دولت موقت و احزاب حاکم مبنی بر دستگیری رفقاء لنین، زینویف، کامنیف و دیگران یعنی تلاش برای غلبه کردن بر جناح چپ جنبش انقلابی. ما به این قرار اعتراض می‌کنیم و از کمیته اجرائی شورای نمایندگان کارگران و سربازان می‌خواهیم آن را لغو نماید".

شماره ۵ روزنامه، "قطعنامه کنگره حزب سوسیال -دموکرات کارگری کل روسیه در باره دادگاه پرونده لنین و دیگران" را چاپ کرد. کنگره اعلام نمود، که "اعتراض شدید خود را علیه سمپاشی‌های قضائی -جاسوسی -پولیسی ظالمانه به ضد رهبر پرولتاریای انقلابی اعلام می‌دارد، به رفقاء لنین، زینویف، تروتسکی، کولونتای، لوناچارسکی و دیگران درود می‌فرستد و به حضور آنها در صفوف حزب انقلابی پرولتاریا امیدوار است.

کنگره در عین حال از کمیته اجرائی مرکزی می‌خواهد به منظور افشای مفتریان بی‌شرم، یک کمیسیون تحقیق مرکب از نمایندگان همه احزاب انقلابی که فقط می‌توانند به پرولتاریا اعتماد نمایند، تشکیل دهد".

شماره ۶ روزنامه "کارگر و سرباز" به تاریخ ۲۹ جولای (۹ اگست) مقاله بزرگ لنین تحت عنوان "آغاز بنابارتسیم" را چاپ کرد. لنین خطاب به منشویک‌ها و اس‌ار‌ها می‌پرسد: "مگر این لودگی نیست، هنگامی که کرنسکی، با دیکته آشکار کادتها، چیزی مانند مجمع مخفی از خود، نیکراسوف، ترشنکو و ساوینکوف تشکیل می‌دهد، در باره مجلس مؤسسان و به طور کلی در باره اعلامیه ۸ جولای سکوت نموده، اتحاد مقدس بین طبقات را به مردم اعلام می‌کند...؟" لنین توجه خود را به آن معطوف می‌دارد، که "بورژوازی علیه شوراها هذیان می‌گوید و رجز می‌خواند، اما هنوز از قدرت کافی برای از میان برداشتن آنها برخوردار نیست، و شوراها هم که به واسطه آقایان **تسرتلی، چرنوف و شرکاء**

به آشفتگی و نابسامانی گرفتار شده‌اند، دارای قدرت کافی برای مقاومت جدی در مقابل بورژوازی نیستند". اما در پایان به نتیجه‌گیری خوش‌بینانه می‌رسد: "روسیه یک دوره کاملی را که اکثریت مردم به احزاب خرده‌بورژوائی اس‌ارها و منشویک‌ها اعتماد می‌کرد، با سرعت قابل‌توجهی از سر گذراند. و حالا دیگر دوره عذاب سخت اکثریت توده‌های زحمتکش به ازای این ساده‌لوحی شروع شده است".

شماره ۷ ارگان مرکزی بلشویک‌ها با مقاله "دلیل سمپاشی ضد انقلاب علیه شوراهای چیست"، توجهات را به خود جلب می‌کند. وضعیت، در نگاه اول، رازگونه است: "احزاب مسلط بر شوراهای بورژوازی تسلیم شدند و مسموم کردن شوراهای ادامه دارد. پتر زالوتسکی توضیح می‌دهد: "نه منشویک‌ها و اس‌ارها، نه اقلیت شوراهای سیاه‌نمایی می‌کنند - آنها همین حامیان خشونت، طرفداران مجازات اعدام، مدافعان ریاکار زندانی کردن‌ها هستند، که شوراهای را مسموم می‌سازند. یورش دسته‌های غارتگر و تلاش‌ها برای عقیم گذاشتن انقلاب از طریق مخالفت با شوراهای به مثابه نهادهای تحت کنترل مستقیم خلق انقلابی ادامه دارد".

<https://kprf.ru/pravda/issues/2017/78/article-58874/>

۶ مرداد - اسد ۱۳۹۶